پایان ۱۶

بهتر از این نمی‌شد ۱۷

ورزش

فدرر قهرمان شد ۱۸

مصطفوی: اگر باقدرت باشم می‌مانم ۱۸

بهشت بر فراز برلین

گزارش خبرنگار شرق از بازی فینال

علی فولادی، آلمان: یکشنبه نهم جولای ۲۰۰۶. فینال جام جهانی هجدهم. برلین. تکان دهنده ترین لحظه فینال، اخراج تلخ زین الدین زیدان از بازی بود. یک قهرمان با پای خودش سقوط کرد و همه به تماشا نشسته بودند. شات تلویزیونی دوربینی که پشت سر زیزو رفت به شدت غم انگیز بود. جام جهانی را جایی نشانده بودند و کاپیتان افسانه‌ای فرانسه از کنارش گذشت و پله پله پایین رفت تا اینکه در سیاهی راهروی منتهی به رختکن ناپدید شد. باور چنین پایانی برای فوق ستاره‌ای مثل او که یک جام جهانی رویایی را پشت سر می گذاشت غیرممکن بود. تمام ۶۹ هزار نفری که در ورزشگاه برلین نشسته بودند با وجود آنکه حرکت عجیب زیزو را در اسکرین دیدند به چشمانشان اعتماد نداشتند. به غیر از مارکو ماتراتزی هم دست شان به جایی بند نبود.

او به هر حال ستاره‌ای را از آسمان پایین کشیده بود و به همین دلیل تا پایان بازی او را هو کردند. اما چه فایده که کار از کار گذشته و زیدان سقوط کرده بود با این وجود در دل ها مانده بود.

این خوش بینی اما وجود داشت که با پیروزی فرانسه در وقت اضافه دوم و یا حتی در ضربات پنالتی، اخراج زیزو فراموش شود که نشد. فرانسوی ها تا پایان بازی به خون خواهی زیزو خیلی زحمت کشیدند ولی زورشان به حریفی که دفاع کردن را خوب می دانست نمی رسید. انگار دویدن های آنها نه برای قهرمانی در جام جهانی که برای نجات زیدان بود. چرا که پیش از اخراج او، همبازیاش به این اندازه تلاش نمی کردند.

در عین حال در این دقایق ایتالیا تبدیل به تیم منفور ورزشگاه شد بدون اینکه گناهی کرده باشد. به محض پا به توپ شدن بازیکنانش مردم شروع به سوت زدن می کردند. مخصوصاً آلمانی هایی که تعداد بسیار بیشتری از فرانسوی ها داشتند و با پرچم های کشورشان پا به مسابقه فینال گذاشته بودند. به هر جهت ایتالیا با شکست دادن تیم میزبان پا به این میدان گذاشته بود و آنها از این تیم زخم خورده بودند. آن باخت تلخ نیمه نهایی اما دلیل اصلی به نظر نمی رسید، بلکه خشم همه از بابت پایان تلخ داستان زیزو بود. قهرمانی که برای دلجویی جایزه بهترین بازیکن جام را از دست خبرنگاران گرفت، ولی می توانست باشکوه تر از این صحنه را ترک کند.

دنیا می خواست ببیند که داستان او مثل فیلم های هندی با شیرینی و خوشی وصف ناپذیری به اتمام می رسد.

در این صورت سناریوی زندگی حرفه ای اش یکی از عجیب ترین حکایت های قهرمانان می شد. «قهرمانی یک تنه تیمش را برای اولین بار قهرمان جام جهانی می کند. بعد قهرمانی اروپا را به کشورش می برد. سپس خداحافظی می کند و تیم بدون او زمین می خورد. مردم او را برمی گردانند و قهرمان باز هم تیم خود را به قهرمانی جهان می رساند.» این داستان به حدی رویایی بود که جهان می خواست به چشم ببیند.

اما قصه دقیقاً برخلاف آرزوها به سر رسید. بزرگی چند وقت پیش نوشته بود «هیچ داستانی کامل نیست مگر آنکه به سیاهی برسد.»

البته نباید فراموش کرد اگر زیزو بود باز هم روشن نبود که فرانسه بتواند کاری از پیش ببرد. هر چند ویلتورد بانفس چاق و ترز گه با انگیزه زیاد وارد زمین شده بودند و به نظر می رسید دومنک می خواهد در وقت اضافه دوم تکلیف ایتالیا را یکسره کند، ولی به هر حال در زمین ماندن زیزو تضمین کننده پیروزی در فینال نبود.

او تا وقتی که حضور داشت باز هم مرد شماره یک بازی به حساب می آمد. بیشتر از آنری که در کل مسابقه دست به کمر راه می رفت، دوید و توپ گرفت و به هنگام دو تعویض فرانسه در وقت اضافه روحیه دوباره ای برای جنگیدن پیدا کرد. انگار اطمینان داشت بدون آنری کم رمق، آسان تر می توان به دروازه ایتالیا رسید. در این صورت زیزو جداً بدل به افسانه ای بی همتا می شد و حتی بعد از این میشل پلاتینی در قیاس با او فقط در حد یک خاطره خوش به نظر می آمد، اما چه می شد که زیزو همه چیز را پس زد، معلوم نشد.

■ حمله لیپی به دومنک

خستگی مفرط ناشی از بازی ها، دفاع کلافه کننده ایتالیا، استرس و فشار فینال کار خودش را کرد. مرد الجزایری الاصل، چشم بر همه چیز بست و با سر ضربه ای به سینه ماتراتزی زد که کل ورزشگاه بعد از تماشای صحنه آهسته آن صدای حیرتش بلند شد. از طرفی دیگر خبرنگاران ایتالیایی همگی با هم خشمگین شدند و به شدت فریاد می کشیدند. غلغله ای شده بود.

در میدان اما ریموند دومنک روی پای خودش بند نبود. او به طالع بینی اش پشت کرد و هزینه اش اخراج مرد شماره یک تیم بود. همیشه می گفت دو ماه «عقرب» را توامان در زمین نمی گذارد. یکی تورام و یکی ترز گه، چون بدشانسی می آورد! در کل تورنمنت هم کمتر پیش آمد که هر دو را همزمان بازی دهد. تا اینکه روز فینال رسید و دومنک در وقت اضافه دوم به طالع بینی و اخترشناسی اش پشت کرد. ترز گه را میدان داد. ناگهان زد و زیدان چنین کرد تا دومنک ماتش ببرد. به داور و ایتالیایی ها به شدت معترض شد. اعتراضش که بالا گرفت، ناگهان از آن طرف میدان مارچلو لیپی اختیار از دست داد و به دومنک حمله ور شد. لیپی با عصبانیت به سمت دومنک رفت ولی در یک قدمی سرمربی فرانسه، ایتالیایی ها لیپی را گرفتند و آرام کردند. در غیر این صورت معلوم نبود چه بلایی بر سر کت و شلوار قدیمی دومنک می آمد! لیپی ظاهراً خودش هم متعجب شد که چگونه این حرکت از او سر زد. لیپی اما تا پایان بازی آن آرامش باشکوه گذشته اش را پیدا کرد و حتی به هنگام قهرمانی آن شادی های زائدالوصف گذشته از او دیده نشد. آقای مربی دقیقاً تا دوقدمی جایی رفت که پیشتر زیزو رفته بود. استرس فینال و خستگی ناشی از بازی ها حتی لیپی با آن موهای سپید را ویران کرده بود و در کنار همه این حرف ها، استاد لیپی می خواست با کسب جام دوباره آبروی فوتبال کشورش را پس از رسوایی های وحشتناک اخیر فوتبال این کشور بخرد و همین موضوع فشار روحی اش را بیشتر کرده بود. به همین علت نیز فرانسوی ها در کل مسابقه به اندازه ای که از سرمربی متفکر تیم ملی ایتالیا واهمه داشتند، از ستاره های این تیم نمی ترسیدند. اما ستاره های لیپی یکی از دلسردکننده ترین نمایش های خود را اجرا کردند. شانس با آنها یار بود که حریف هم خسته و فوتبال زده بود. فرانچسکو توتی پس از آن شب رویایی دورتموند که یک تنه توپخانه ژرمن ها را از کار انداخت، در زمین پیدا نبود و هر چه کرد نتوانست سوار بر بازی شود. زامبروتا و کاموراننزی هم از رمق افتاده بودند و حتی کاناوارو از صلابت روزهای قبلی فاصله داشت. وضعیت وضعیت خوبی نبود...

همه تیم بر دوش آندره پیرلو قرار داشت که به شدت می دوید و زحمت می کشید و حتی با کرنر دقیقی که در این کار خبره هم است زمینه گل تساوی را چید. پیرلو اما از خلاقیت، ابتکار و ریسک پذیری لازم بی بهره بود و همین امر تیم تحت امرش را زمین گیر کرد. در آن طرف زمین اما اوضاع اندکی بهتر به نظر می رسید. هر چند آنری که در کل مسابقه از مصدومیت ابتدای مسابقه منگ بود هرگز به بازی بر نگشت، ولی زیزو به کمک مالودا و ریبری که بدون وقفه می دویدند خطرناک یورش می بردند. با این وجود هیچ کدامشان برتری فاحشی بر همدیگر نداشتند. با این وجود این نظریه را کریس وادل ستاره سابق تیم ملی انگلیس و باشگاه المپیک مارسی فرانسه قبول نداشت. او که در مسابقات به عنوان مفسر یکی از شبکه های تلویزیونی انگلستان حاضر بود به هنگام خروج از ورزشگاه در پاسخ به ما گفت: «فرانسه خیلی بهتر بازی کرد و اگر زیدان اخراج نمی شد بازی را می برد. به عقیده من ایتالیا شایستگی پیروزی در این دیدار را نداشت. آنها امشب فقط خوب دفاع می کردند ولی نمی توانستند خوب بازی کنند.»

نکته

مسئولان برگزاری مسابقات با جشنی که تدارک دیدند این شب بزرگ را تکمیل کردند. جامی که ساعت ۱۹/۱۵ به کنار زمین آورده شده، در گرماگرم آتش بازی شگفت انگیز آلمانی ها دست به دست بین ایتالیایی ها می گشت و به ندرت به دست مارچلو لیپی که برنده واقعی آن بود می رسید. در عین حال آلمانی ها در آتش بازی خودشان هرچند دقیقه «سورپریزی» رو می کردند و ورزشگاه را به بهت فرو می بردند. سروصداها به حدی زیاد شد و فشفشه ها به اندازه ای غوغا کرد که روح آدولف هیتلر بنابر نوشته روزنامه ها اگر تا دیشب در برلین سرگردان بود راهش را پیدا کرد و رفت!

■ زندگی جدید برلین

ایتالیا چه سزاوار بود چه نبود، جام ۶/۲ کیلوگرمی را به دست گرفت. برای مراسم اهدای جام، سکویی در پنج قطعه مجزا آوردند و در یک چشم به هم زدن سرهم کردند. در گوشه زمین، جایی که اغلب ایتالیایی ها قرار داشتند بازیکنان ایتالیایی به سروکله هم می زدند. از بلندگوها موسیقی «Italiano Vero» اثر «توتو کوتونیو» بلند بود و ایتالیایی ها بهترین شب زندگی شان را می گذراندند.

طبق انتظار کسی که بیشتر از همه جست و خیز داشت، گنارو گتوسو بود. مارکو آملیا، آنجلو پروتزی دروازه بان ذخیره تیم و چیرو فرارا (یکی از دستیاران لیپی) با گتوسو معرکه ای گرفته بودند و کمی آن طرف تر، لیپی بعد از مدت ها چند پک سیر به سیگارش می زد. خبرنگاران ایتالیایی هم اینجا، در جایگاه، ژست خبرنگاری را کنار گذاشته بودند و به شکل هوادار درآمده بودند.

پرچم کشورشان را روی دوش انداخته بودند و همدیگر را در آغوش می کشیدند. اینها همان هایی بودند که هنگام ضربات پنالتی دست به دعا شده بودند و در زمان مراسم اختتامیه، توجهی به اجرای موسیقی «Hips Don't Lie» از «شکیرا» و نیز «Time of our Lives» از «تونی برکستون» و گروه چهارنفره همراهش نداشتند. خوانندگانی که با تمام سروصدایی که راه انداخته بودند در دل استادیوم عظیم برلین گم بودند و چندان توجهی را جلب نمی کردند. در دقایق قبل از بازی و در جریان مسابقه طرفین چنان به فکر سرنوشت خود بودند که دل تو دلشان نبود. این دلشوره ها البته برای ایتالیایی ها پایان خوشی داشت و اتفاقاً مسئولان برگزاری مسابقات نیز با جشنی که تدارک دیدند این شب بزرگ را تکمیل کردند. جامی که ساعت ۱۹/۱۵ به کنار زمین آورده شده، در گرماگرم آتش بازی شگفت انگیز آلمانی ها دست به دست بین ایتالیایی ها می گشت و به ندرت به دست مارچلو لیپی که برنده واقعی آن بود می رسید. در عین حال آلمانی ها در آتش بازی خودشان هرچند دقیقه «سورپریزی» رو می کردند و ورزشگاه را به بهت فرو می بردند. سروصداها به حدی زیاد شد و فشفشه ها به اندازه ای غوغا کرد که روح آدولف هیتلر بنابر نوشته روزنامه ها اگر تا دیشب در برلین سرگردان بود، راهش را پیدا کرد و رفت!

برلین و کل آلمان با سنگ تمامی که در شب آخر و در کل مسابقات گذاشتند، نه تنها دوباره برادری خود را به دنیا اثبات کردند و نظرها را عوض کردند، بلکه از شر دوران سیاه نازیسم و هیتلر نیز دور شدند درستی این مدعا را از ایتالیایی هایی که در پایان آتش بازی، از صدای سحرانگیز لوچیانو پاواروتی که اپرای «Vincero» را می خواند آرام گرفته و به فکر خروج از استادیوم افتاده بودند می توان جویا شد.

خبر آخر

آمار جدید کمیته فنی فیفا

برزیل و اسپانیا، جوانمردها

براساس اعلام گروه مطالعات فنی فدراسیون بین المللی فوتبال، تیم های ملی فوتبال برزیل و اسپانیا جایزه بازی جوانمردانه مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶ را به خود اختصاص دادند. براساس اعلام فیفا این دو تیم مشترکاً ۸۸۶ امتیاز از یک هزار امتیاز ممکن را کسب کردند. جایزه بازی جوانمردانه فیفا به تیمی اهدا می شود که بهترین رکورد را در بازی جوانمردانه و رفتار ورزشی در داخل یا خارج از زمین داشته باشد.

تمامی نکات مسابقات در جریان رقابت های جام جهانی توسط معیارهای کمیته اخلاقی و بازی جوانمردانه فیفا ارزیابی می شود اما فقط تیم هایی که به دور دوم راه یافته باشند، می توانند این جایزه را دریافت کنند. بر همین اساس بازیکنان و کادر مربیگری تیم های برزیل و اسپانیا علاوه بر دریافت این جایزه، مدال، تقدیرنامه و همچنین محصولات ورزشی به ارزش ۵۰ هزار دلار دریافت خواهند کرد.

این ارزیابی بر اساس شش معیار که بر نکات مثبت عملکرد تیم ها تاکید دارد تا جنبه های منفی آن، انجام می شود.

تعداد کارت هایی که یک تیم دریافت می کند فقط موجب کاهش امتیاز آن تیم می شود. دیگر معیارها شامل جذابیت مسابقه، شیوه تهاجمی بازی، احترام به حریف، احترام به مسئولان، رفتار کادر مربیگری و رفتار تماشاگران است.

تیم ملی فوتبال برزیل برای سومین بار است که جایزه بازی جوانمردانه فیفا در جام جهانی را به خود اختصاص می دهد.

یکی از نمونه های این تیم، «لوسیو» است که در بیش از چهار مسابقه خطا نکرد. او اولین خطای خود را در جریان شکست مقابل فرانسه در مرحله یک چهارم نهایی انجام داد.

تیم ملی اسپانیا نیز به دلیل شیوه بازی گسترده و رفتار فوق ورزشی بازیکنان خود برای اولین بار این عنوان را کسب کرد.

این تیم فقط شش کارت در چهار مسابقه خود در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان کسب کرد که سه کارت آن هم به دیدار مقابل عربستان در آخرین مسابقه مرحله گروهی اختصاص دارد. جایزه بازی جوانمردانه از جوایز جنبی جام جهانی محسوب می شود اما اعتبار بالایی دارد. یکی از شعارهای اصلی فیفا این است: «بازی من جوانمردانه است».

برندگان دوره های قبل جایزه بازی جوانمردانه فیفا به شرح زیر است:

- جام جهانی ۲۰۰۲ بلژیک
- جام جهانی ۱۹۹۸ انگلیس و فرانسه
- جام جهانی ۱۹۹۴ برزیل
- جام جهانی ۱۹۹۰ انگلیس
- جام جهانی ۱۹۸۶ برزیل

دقیقه صفر

درباره بهترین بازیکن جام جهانی

تاریخ با زیدان ماند

مهدی زعیم زاده

آن قدر بی انصاف و بد سلیقه نیستیم که در آینده زیدان را با این ضربه سر ناجوانمردانه ای که به مارکو ماتراتزی وارد کرد یاد کنیم. او آن قدر یادگارهای خوب برای فوتبال به جا گذاشته که چند مورد بداخلاقی هایش خدشه ای به تصویر باشکوه «زیزو»ی دوست داشتنی وارد نمی کند.

در دقیقه ۱۱۰ دیدار فینال یک بار دیگر متوجه شدیم زیدانی که بیش از یک دهه از هنرش لذت بردیم و در دقیقه هفتم همین بازی گوشه ای از هنر و مهارتش را تحسین کردیم تنها یک انسان است و نه یک موجود فرازمینی.

او هم مثل همه آدم ها و بازیکنان جهان ضعف دارد. با اینکه به یک انسان مهربان و آرام شهره است و همه فرانسوی ها زیدان را به خاطر اقدامات انسان دوستانه اش ستایش می کنند هر چند یک بار در زمین بداخلاقی هایی هم کرده است.

مثل همین حمله او به ماتراتزی که از بزرگی به نام زین الدین زیدان با آن همه شکوه و افتخار سر زد و برای ما قابل پذیرش نبود. به هر حال او الگوی میلیون ها نفر در فرانسه و سراسر جهان است و همین مسئله کار او را سخت می کرد و به او اجازه نمی داد که نقطه ضعفی داشته و رفتاری مثل آنچه یکشنبه شب از او دیدیم داشته باشد حتی اگر مارکو ماتراتزی بدترین دشنام ها را نثارش کرده باشد. واکنش عصبی و غیرانسانی زیزو بیشتر از اینکه به فرانسه ضربه بزند به خودش لطمه وارد کرد.

آن کارت قرمز وداع با شکوه و جاودانه زیدان را خراب کرد.

اگر فرانسه یکشنبه شب می باخت باز هم زیدان یک برنده بود. او بسیار خوب بازی کرد و یک گل هنرمندانه هم زد.

اگر او اخراج نمی شد در پایان بازی مانند یک قهرمان مورد ستایش قرار می گرفت. بعید بود که حضور زیدان در ضربات پنالتی جای برنده و بازنده را عوض می کرد. شماره ۱۰ فرانسه نمی توانست کاری کند که پنالتی های بی نقص حریف، گل نشود اما در فوتبال فاصله بالا و پایین کمتر از آنی است که تصور می کنیم؛ برای زیدان این فاصله هشت دقیقه بود. اگر کمی خوش شانس بود و ضربه سرش در دقیقه ۱۱۲ گل می شد زیدان در بهترین شب زندگی اش با فوتبال خداحافظی می کرد. شبی بهتر از فینال ۹۸، اما درگیری او با مدافع حریف باعث شد که ۱۸ جولای به شب تلخی برای زیدان تبدیل شود که در طول ۱۱۰ دقیقه مقتدرانه تیمش را به سوی قهرمانی جلو برده بود. سرنوشت زیدان هم این بود که آخرین مسابقه زندگی اش به شکل غم انگیزی برایش به پایان برسد. با این حال چه کسی است که بتواند بازی های خوب او را در این جام نادیده بگیرد؟

کاپیتان فرانسه با هنر و تکنیک بی نظیرش فرانسه در ظاهر کم شانس را به فینال رساند. همه منتظر جادوی رونالدینیو و وین رونی در جام بودند اما باز هم زیدان ۳۴ ساله بود که ثابت کرد مرد میادین بزرگ است. نمایش او در آلمان آن قدر خوب بود که انتخاب کنندگان بهترین بازیکن جام چاره ای نداشتند جز اینکه عنوان بهترین بازیکن جام را به این هنرمند بدهند. حرکت زشت زیزو در بازی آخر هم نتوانست او را از رسیدن به این عنوان که کاملاً حقش بود محروم کند.

با این عنوان زیدان در تاریخ فوتبال جهان جاودانه تر شد.

قهرمان ۹۸ جهان و ۲۰۰۰ اروپا که در ویترین افتخاراتش چندین قهرمانی لالیگا، سری A و لیگ قهرمانان اروپا نیز دیده می شود حالا بهترین بازیکن جام جهانی ۲۰۰۶ هم هست و این افتخارات به فوتبال جهان اجازه نمی دهد که هرگز زیدان را از خاطر خود پاک کند.

مگر می شود مرد سال ۹۸، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳ جهان را فراموش کرد، بازیکنی که قهرمانی جام جهانی ۱۹۹۸ و لیگ قهرمانانی ۲۰۰۲- ۲۰۰۱ به پای او نوشته شده است. گل هایی که او در آن دو فینال به ثمر رساند پاداشی بود که فوتبال جهان به یک بازیکن استثنایی هدیه کرد و باعث شد که آن دو قهرمانی به نام زیزو ثبت شود و او برای آنهایی که به جای تماشای فوتبال عادت دارند این رشته ورزشی را در آرشیو، آمار و تاریخ دنبال کنند هم یک نام جاودانه باشد. تکلیف ما که بازی های زیدان را در این یک دهه دیده ایم کاملاً روشن است.

مگر می توانیم او را از یاد ببریم؟! همیشه حسرت خورده ایم که چرا بازی های پله افسانه ای را ندیده ایم اما می توانیم افتخار کنیم که با زیدان هم دوره بودیم. سال ها هم بگذرد زیدان جلوی چشم مان باقی می ماند با آن همه نبوغش و دقایق شیرین و لذت بخشی که برای ما خلق کرد. خونسردی و مهارتی که درباره زیزو وجود داشت در بازی کمتر بازیکنی دیده می شد و او وارث بزرگانی چون پله، مارادونا و کرویف بود که ثابت کردند فوتبال یک هنر هم هست.

زیدان متشکریم!